

واکاوی هنر و صنایع فلزی شهر تبریز در دوره قاجار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

کد مقاله: ۵۵۴۱۹

اکرم محمدی زاده^۱

چکیده

منطقه آذربایجان با مرکزیت تبریز به علت ویژگی خاص جغرافیایی، قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم و اصلی‌ترین مسیر ارتباطی شرق و غرب و شمال و جنوب اهمیت زیادی داشته است. هم‌چنین در دوره قاجار انتخاب این شهر به عنوان دارالسلطنه اهمیت آن را دوچندان نمود. با توجه به تحولات مهم صنعتی و رواج تجددگرایی در این عصر، رشد و توسعه هنرهای صناعی راهی متفاوت از دوره‌های پیشین را طی نمود. فلزکاری یکی از شاخه‌های هنرهای صناعی است که تا دوره‌های پیشین در این شهر رونق زیادی داشته است و اکنون بجز چند مورد محدود با کاربرد تزئینی کارگاه‌های فلزکاری متروک و فراموش شده است. در این مقاله با مطالعه سفرنامه‌ها، کاوش در منابع مکتوب و آثار فلزی محفوظ در موزه‌های دولتی و خصوصی با هدف شناسایی شاخه‌های مهم هنر و صنایع فلزی این شهر را مورد کاوش قرار داده است. صنایع فلزی تبریز در دوره قاجار چه بوده است؟ سؤال اصلی این پژوهش است. برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها از روش تاریخی و توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دوره قاجار صنعتگران و هنرمندان فلزکار در شاخه‌های مختلف فلزکاری نظیر مسگری، قفل‌سازی، قیچی‌سازی به کار و پیشه خود اشتغال داشته‌اند. شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این شهر در رشد و یا افول این حرفه‌ها تأثیر مستقیم داشته است.

واژگان کلیدی: هنر و صنایع فلزی، تبریز، دوره قاجار، تجددگرایی.

۱- مقدمه

تبریز یکی از شهرهای مهم تاریخی سرزمین ایران است. موقعیت خاص جغرافیایی این شهر باعث شده است در دوران مختلف تاریخی بارها به‌عنوان پایتخت ایران انتخاب شود. انتخاب این شهر به‌عنوان دارالسلطنه در دوران قاجار اهمیت آن را نشان می‌دهد. هنرهای مختلف در این شهر رونق زیادی داشته است و خوشبختانه پژوهش‌های بی‌شماری در این خصوص انجام گرفته است. اما متأسفانه پژوهش درباره هنر و صنایع فلزکاری این منطقه تاکنون مغفول مانده است. فلزکاری شاخه‌ای از هنرهای صناعی می‌باشد که شاخه‌های مختلفی را شامل می‌گردد؛ نظیر مسگری، آهنگری، ملیله‌سازی، جواهرسازی، قفل‌سازی، قیچی‌سازی. اشیاء فلزی در زندگی روزمره کاربرد فراوانی دارد. نیاز مردم این شهر به ساخت اشیاء فلزی نیاز به وجود هنرمندان و صنعت‌گران ماهر و زبده‌ای را می‌طلبیده است. این افراد در بازار قدیمی شهر به حرفه و پیشه خود اشتغال داشتند و تا چند سال پیش نیز کسب و کارشان رونق خوبی داشت. اما با تغییر سبک زندگی مردم از سنتی به مدرن و ورود ظروف کارخانه‌ای به خانه‌های مردم کسب و کار مسگران، آهنگران و سایر فلزکاران از رونق افتاد. به این ترتیب مسأله اصلی این پژوهش مطالعه منابع مکتوب و آثار موجود فلزی تبریز با هدف شناسایی انواع هنر و صنایع فلزی در دوران قاجار است. سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: انواع هنر و صنایع فلزی تبریز در دوره قاجار چه بوده است؟ رونق هنر و صنایع فلزی تبریز در دوره قاجار چگونه بوده است؟

۲- روش تحقیق

این تحقیق با شیوه توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و اطلاعات این پژوهش به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. جامعه آماری در این پژوهش آثار فلزی تولیدی تبریز دوره قاجار است. روش نمونه‌گیری به صورت انتخابی و تجزیه تحلیل اطلاعات نیز به شیوه کیفی می‌باشد.

۳- پیشینه پژوهش

شفیع جوادی در کتاب تبریز و پیرامون (۱۳۵۰)، به مشاغل رایج در تبریز در سال ۱۲۸۶ ه.ق اشاره کرده است. ویلم فلور (۱۳۹۳) نیز در کتاب صنایع کهن در دوره قاجار اشاره مختصری به معادن فلز منطقه آذربایجان دارد و درباره حرفه‌های رایج شهرهای مختلف اصفهان و شیراز مطالبی را نگاشته است اما اشاره‌ای به حرف رایج در تبریز ندارد. چارلز عیسوی (۱۳۶۲) نیز در کتاب تاریخ اقتصادی ایران (دوره قاجار) ارقام و آمار جالب توجهی از صادرات و واردات محصولات مختلف ارائه می‌دهد. در این کتاب تأکید بر صادرات، خرید و فروش فرش است. نادر میرزا (۱۳۹۳) نیز در کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز اطلاعات مفیدی از مکانها و شرایط جغرافیایی، محصولات کشاورزی و بازار تبریز ارائه می‌دهد اما تأکید بر روی هنرهای صناعی این منطقه ندارد. اصغر نجفی و اشرف گلچین (۱۳۹۳)، در کتاب بازار تبریز در دوره قاجار به معرفی بازار پرداخته و آمار جالب توجهی از حرفه‌ها و مشاغل فعال در این بازار تاریخی را به خواننده منتقل می‌کنند. این پژوهش هنر و صنایع فلزی تولید شده در تبریز دوره قاجار را مورد شناسایی قرار داده است، علاوه بر این به بررسی عوامل تأثیرگذار در رونق این هنرها پرداخته شده است.

۴- موقعیت جغرافیایی تبریز

این شهر به علت ویژگی‌های جغرافیایی از قدیم‌الایام دارای اهمیت زیادی بوده و از قرن‌های دور تا به امروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران و منطقه خاورمیانه محسوب می‌گردد، تا آن‌جا که در منابع مکتوب و متون تاریخی بدان اشاره شده است. تبریز یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است که در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته و همین امر آن را به شهری مهم که به مبادلات کالاها و ترانزیت کمک می‌کند، بدل کرده است. موقعیت جغرافیایی این شهر چنان است که در تمامی طول تاریخ می‌توان آن را محل تلاقی تمدن‌های باستانی تا دوران معاصر دانست (بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۱: ۳۷۹). تبریز مرکز حکومت ایالت آذربایجان با دو امپراطوری بزرگ آن روز یعنی عثمانی و روسیه مرز مشترک داشت. یکی از این دو امپراطوری قدرتمند یعنی روسیه جزء کشورهای صنعتی و اروپایی و امپراطوری عثمانی نیز کشوری نیمه‌اروپایی و پل ارتباطی آسیا و اروپا به‌شمار می‌رفت. اروپا سال‌ها پیش از شروع حکومت قاجار و زمانی که حکام ایرانی به جنگ و خونریزی و قتل‌عام‌های گسترده اقدام می‌کردند، به فنون استفاده از نیروهای جدید مکانیکی و نیروی بخار دست یافته و موجبات بروز تحولات صنعتی و اجتماعی بزرگی به نام انقلاب صنعتی را پدید آورده بود. نتایج این انقلاب در اندک زمانی چهره اروپا را دگرگون ساخت و به زودی تکنک‌های امواج حاصل از آن در شکلی ویرانگر تا مرزهای ایران که آذربایجان پیشاهنگ آن بود رسید.

۵- معادن فلز آذربایجان در دوره قاجار

منطقه آذربایجان از نظر منابع معدنی جزء مناطق غنی کشور است. در دوره قاجار به علت نبود تکنولوژی استحصال و نیز عدم حضور کارشناس و متخصص در این حوزه امتیاز برداشت این منابع در اختیار بیگانگان بود. آبوت^۱ کنسول بریتانیا در تبریز، وضعیت بخش حفاری و استخراج را به طور کل در ایران و خاصه در آذربایجان چنین توصیف کرده است: ایران دارای معادن بی شماری است که البته به دلیل مسائل مربوط به ترابری و سایر موانع هیچ گاه سودی به همراه ندارند. در حال حاضر معادن زیر در قره داغ فعال هستند (جدول ۱).

جدول ۱- معادن فعال در آذربایجان (مأخذ: فلور، ۱۳۹۳: ۲۳۰)

نام معدن	بتوجه	استمال	گولان	اکچه کلچ	حسن آباد	انگرد
ماده معدنی	مس	مس	مس	سرب نقره دار	مس	آهن

کلیه این معادن بسیار غنی هستند و به سادگی قابل استخراج و بهره‌وری، به ویژه معادن بتوجه و حسن آباد. در این جا رگه‌ها به صورت موازی به سوی دامنه‌ی کوه کشیده شده‌اند و بیش از ۶۰ فوت (حدود ۱۸ متر) از سطح فاصله ندارند. سنگ معدن به شکل سولفور مس قابل یافت است که حتی در حالت اتلافی آن که ذوب می‌گردد نیز ۲۰ تا ۲۵ درصد فلز خالص به دست می‌دهد. مقامات ایرانی از این رو به هرکسی که در صدی از سود حاصل را به آنان ببخشند، اجازه‌ی کار بر روی این معادن را می‌دهند، اما مصایب موجود بر سر راه ترابری و هزینه‌ی زیاد سوخت، مانع از آن است که معادن یاد شده برای کارکنان و صاحبانشان پردرآمد باشد و در حال حاضر تمام آن‌ها متروکه است (فلور، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

نداشتن علم و تکنولوژی لازم جهت استحصال معادن فلز در ایران باعث گردیده بود این معادن یا متروکه بماند و یا امتیاز استحصال به بیگانگان واگذار گردد. عیسوی (۱۳۶۲) درباره غنای معادن فلز در ایران نوشته: من کشوری نمی‌شناسم که از حیث غنای فلزات مخصوصاً مس به پای ایران برسد. تقریباً تمام ایالات دارای یک معدن مس است و در دامنه‌های شمالی کوه‌های البرز، نزدیک تهران می‌توان بیست معدن مس سراغ گرفت. غنی‌ترین این معادن در قرا داغ در نزدیکی تبریز قرار گرفته است. ولی ایرانیان در بهره‌برداری از معادن بسیار عقب مانده‌اند و طرز کاربرد ماشین‌های اروپایی را در این زمینه نمی‌دانند. به همین دلیل و با وجود غنای ذخایر سنگ‌های معدنی قیمت اعظم مس که در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد از روسیه وارد می‌شود؛ و از آن جا که اکثر ظروف از مس ساخته می‌شود لذا استفاده از این فلز زیاد است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۲۰).

۶- فلزکاری آذربایجان در دوره قاجار

به طور کلی «هنر دوره قاجار نشانگر سه مشخصه و ویژگی بنیادی بود: جدایی روزافزون فرهنگ ایرانی از سنت عظیم اسلامی، ورود عناصر هنر مردمی و عامیانه، وابستگی رشد یابنده به تأثیرات غربی [...] هنر این دوره با اینکه از نظر کیفی در سطح پایین‌تر از هنر ادوار پیشین قرار داشت و از حیث شکوه و عظمت قابل مقایسه و هم‌سنجی با آن نبود، اما ویژگی و هویت کاملاً مستقل و پالوده‌ای به نمایش گذاشت» (اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۳۵).

بر طبق نوشته جوادی (۱۳۵۰) پیشه‌ها و پیشه‌وران تبریز در سال ۱۲۸۶ ق. (۱۸۶۹ م) عبارتند از: جواهر فروش ۵ نفر، ابزار و آهن فروش ۲۰ نفر. وی تعداد صنعتگران در تمامی شاخه‌های فلزکاری را این چنین بر شمرده است: (جدول ۲)

جدول ۲. تعداد صنعتگران فلزکار در سال ۱۲۸۶ ق. (مأخذ: جوادی، ۱۳۵۰: ۲۰۲-۲۰۳)

پیشه	تعداد	پیشه	تعداد
روی‌گر	۱۵	آهن‌گر	۵۰
حلبی‌ساز	۴۰	ساعت‌ساز	۱۲
قیچی‌ساز	۹۰	قفل‌ساز	۲۵
زرگر	۵۱	ملیله‌ساز	۱
مسگر	۴۵	قمه‌ساز	۳۰

با توجه به آمار ذکر شده چنین به نظر می‌رسد که دوره قاجار هنر و صنعت فلزکاری در تمامی شاخه‌های آن اعم از قیچی سازی، زرگری و آهنگری در تبریز رونق زیادی داشته است، البته این سخن بی‌راه نمی‌باشد. قیچی به علت کاربرد گسترده فرم‌های متنوعی داشته است، نظیر قیچی باغبانی، قالی‌بافی، پشم‌چینی و فیتیله‌چینی. شرایط جغرافیایی و طبیعی منطقه نیاز به انواع مختلف

قیچی و رونق کسب و کاران قیچی‌سازان را می‌طلبیده است. در این دوره که صاحبان حرف در صنف و رسته خود فعالیت داشتند، ابزارهای فلزی خاصی برای هنر و صنعت خود نیاز داشتند که گاهی نیز این ابزارها توسط هنرمندان دیگر ساخته می‌شد. به‌طور کلی می‌توان گفت دو گروه شامل اصناف تولیدکننده ابزارهای فلزی و اصناف مصرف‌کننده این اشیا در تبریز دوره قاجار فعالیت داشتند.

۱-۶- آهنگری



شکل ۱- کفگیرهای آهنی (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدام، ۱۳۹۴)

به‌طور کلی بیشتر هنر و صنایع فلزی تبریز در زیرمجموعه آهنگری جای می‌گیرند، زیرا از تکنیک و مواد آهنگری استفاده می‌کنند. به‌دلیل تفکیک حرفه‌های مختلف صنعتگری، شاخه‌های دیگر نظیر چاقوسازی، زمودگری، قفل‌سازی و قیچی‌سازی در عصر قاجار صنوف مختلف بوجود آمد، اما همچنان آهنگری به عنوان مهم‌ترین حرفه فلزکاری به تولید محصولات مختلف نظیر داس، دفتین، نعل و رکاب اسب، بیل و گاوآهن و حتی ابزارهای مورد استفاده صنعتگران مختلف در بازار کاه‌فروشان ادامه داد (شکل ۱).

۲-۶- زمودگری



شکل ۲- کوبه در (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدام، ۱۳۹۴)

به بخشی از تولیدات چلنگران که به عنوان یراق‌آلات در و پنجره مورد استفاده قرار می‌گیرد "زمود" گفته می‌شود. به عبارت دیگر، "زمودگری" پیشه‌ای است که در آن الصاقات فلزی در و پنجره‌های سنتی و قدیمی ساخته می‌شود. "زمودگر" به معنای نقاش و طراح نقش‌هاست و دهخدا، زمودن را به معنی نقش و نگار کردن، تعریف نموده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۹۲۴). در هنر زمودگری بیشترین فلزی که کاربرد دارد آهن است. اشیای متفاوتی شامل کوبه، گل میخ، پاشنه و لولا، چفت و بست، دستگیره، خروسک، پولک و روکلیدی با نقوش و طرح‌های بسیار متنوع و زیبا توسط زمودگران ساخته شده که از مجموع کاربرد آنها روی درهای چوبی و قدیمی هنر زمودگری شکل گرفته است (شکل ۲). دارالسلطنه بودن این شهر، ساخت عمارت‌های بزرگ با درهای مزین را طلب می‌کرد. این درها که هنوز نیز در تعدادی از خانه‌های قاجاری تبریز موجودند به انواع مختلف کوبه، کلون و گل میخ آراسته شده‌اند.

۳-۶- قیچی‌سازی



شکل ۳- قیچی (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدام، ۱۳۹۴)

در ساخت قیچی از فولاد استفاده می‌شود. تیغه‌های آن را سوهان‌کاری می‌کنند و جهت زیبایی آن در مواردی دسته آن را مشبک می‌کنند. قیچی‌ها انواع مختلفی دارند. مانند قیچی قالی‌بافی، کاغذبری، فیتیله بری. تنوع در فرم قیچی‌ها ناشی از کاربرد متفاوت آن‌ها است (شکل ۳).

۶-۴- قفل سازی



تکنیک قفل سازی مانند آهنگری است و از آهن، فولاد و حتی آلیاژ برنج جهت ساخت قفل ها استفاده کرده اند. در هنر قفل سازی تبریز از انواع قفل های ثابت و متحرک فنر خردار با شکل (استوانه ای)، فنر خمیده با شکل (نافی)، فنر ماریپیچ (هلیکال)، قفل ترکیبی و قفل رمزی استفاده کرده اند (وولف، ۱۳۷۲: ۵۹) (شکل ۴).

۶-۵- مسگری

شکل ۴- قفل رمزی (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدام، ۱۳۹۴)



شکل ۵- شمعدان مسی (مأخذ نگارندگان، مجموعه سرابی اقدام، ۱۳۹۴)

وجود معادن مختلف مس در منطقه (جدول ۱) و کاربرد آن جهت ساخت ظروف کاربردی آشپزخانه باعث رونق مسگری گشته بود. قدمت مسگری در آذربایجان به سال های دورودراز برمی گردد و این از یافته های کاوش های باستان شناسی در نقاط مختلف آذربایجان مشهود است؛ اما پیشینه شغل مسگری با مشخصاتی که امروز نیز اثراتی از آن باقی است، به ۵۰۰ سال پیش بازمی گردد. ظروف مسی تا همین چند سال پیش از ملزومات اصلی جهیزیه دختران بود و شامل تشت، دیگ های بزرگ و کوچک، کاسه ها، آفتابه، سینی و سایر وسایل منزل می شده است. همین موضوع موجب رونق این صنعت شده بود و یک بازار در جنب بازار شتربان به عنوان اختصاصی بازار مسگران و ده ها مغازه دیگر در بازار درب باغمیشه و محلات تبریز به این کار اشتغال داشتند (نجفی و گلچین، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

ظروف مسین عموماً ساده و بدون نقش ساخته می شدند و تزیینات ظرف اهمیت چندانی نداشت. مسگران تنها وجه کاربردی ظرف را مهم می دانستند و بدنه ظروف مسین را با استفاده از سندان و چکش می ساختند (شکل ۵). «در بازار تبریز هم چون بیشتر بازارهای سنتی شهرهای قدیمی ایران راسته ها و بازارچه های متعددی با نام اصناف مختلف وجود داشته از جمله بازار کفشان، بازار مسگران و...» (نجفی و گلچین، ۱۳۹۳: ۲۰۱). نادر میرزا (۱۳۹۳) درباره وقوع سیل سال ۱۲۸۸ ه.ق اشاره ای به ویران شدن بازار مسگران دارد «... هر دو ساحل مهران رود، هر چه از بناها نزدیک بود، ویران کرد چون به بقعه صاحب الامر (ع) رسید، یک طرف بازار مسگران را ویران کرد» (نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۶۷) کاهش کیفیت مصنوعات و عدم تنوع در فرم و طرح در برابر واردات محصولات جدید به نابودی هنر مسگری سرعت بخشید.

۶-۶- وسایل روشنایی

تحت تأثیر تجدد و تغییر در سبک زندگی به علت واردات محصولات اروپایی به تبریز به عنوان دروازه اروپا، علاوه بر وسایل روشنایی دوران کهن تجهیزات جدیدی نیز مورد استفاده قرار گرفت، که بعدها در تبریز نیز ساخته می شد. این روشنایی ها با تلفیق شیشه و حلبی ساخته می شدند و نمونه هایی از آنها برای معابر عمومی کاربرد داشت (شکل ۶).

۶-۷- چاقو و شمشیر سازی

ساخت ابزارهای برش برای خانه ها و کارگاه ها (نظیر قالی باقی و کفش دوزی)، مهم ترین مسئولیت چاقوسازان تبریز بوده است. رونق چرم سازی و محصولات مرتبط با آن و نیز قالی بافی از مهم ترین دلایل فعالیت چاقوسازان بوده است (شکل ۷).

شکل ۶- روشنایی دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدام، ۱۳۹۴)





شکل ۷- شمشیر فولادی (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدم، ۱۳۹۴)

۸-۶- حلبی سازی

حلبی از آهن با روکش نازک قلع ساخته می‌شود که فرآورده‌های زیادی را شامل می‌شود نظیر ناودان، لوله ناودان، ظروف مختلف جهت کاربری روزانه (شکل ۸).



شکل ۸- نفت‌دان (مأخذ: نگارندگان، مجموعه سرابی اقدم، ۱۳۹۴)

۹-۶- زرگری

زرگران تبریز را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: جواهرسازان حرفه‌ای که از طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی استفاده می‌کردند. تعداد زیادی از این جواهرسازان مربوط به جامعه آرامنه تبریز بوده‌اند. «زرگران ارمنی فعال در تبریز به نام‌هایی چون سیمون، تاتووس آراکلیان (تراب خان) زرگر دربار فتحعلی‌شاه، استپان ملیک میناسیان (اسماعیل خان) و آراکل ملیک میناسیان که در دوره ناصرالدین شاه از جایگاه والایی برخوردار بودند در تاریخ ثبت شده است» (هویان، ۱۳۸۸: ۸۵-۹۴). این افراد برای شاهزادگان قاجاری و درباریان کار می‌کردند. مادام دورتی اسمیت از مستشرقان معروف فرانسه در سفری که به سال ۱۳۴۰ ه.ق به تبریز داشته در کتابش با عنوان «خاطراتی از شرق» این چنین نوشته است: «... موقع بازگشت به خیابان، در آخرین بازار، ویتیرین‌های روشن ده‌ها مغازه را دیدیم که مخصوص نمایش طلا و جواهرات بودند...» (اسمیت، ۱۳۴۴: ۴۵-۴۶)



شکل ۹- پلاک گردن از جنس حلبی، نصب شده بر درب مسجد صاحب‌الامر (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵)

گروه دوم زرگران محلی بودند، این افراد از نقره، طلا با عیار پایین و فلز کم‌بهارتر و سنگ‌های نیمه‌قیمتی استفاده می‌کردند. مشتریان این زرگران مردم عامه جامعه بودند که زیور را نه تنها به عنوان آرایه بلکه کاربردی نمادین و آئینی نیز برای آن قایل بودند (شکل ۹). هنر این افراد را می‌توان در دسته هنر عامه (Folk Art) قلمداد کرد. «هنر عامه برخلاف هنرهای خاص کمتر تمایل به پیچیدگی‌های معنایی و مفهومی و سبک فاخر دارد، این‌گونه هنرها مطابق با فرهنگ عامه بیشتر ساده و احساسی و در برخی موارد از نظر تکنیکی تا حدودی بدوی و خام‌دستانه نیز هستند» (معین‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۱). هنرهای فلزی این زرگران محلی دقیقاً منطبق با ویژگی‌های هنر عامه است؛ از جمله خاصیت جمعی بودن، سادگی و بی-تکلف، روایتگر بودن، «نشان‌دهنده‌ی واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای است که ریشه در ناخودآگاه جمعی همان مردم دارد» (معین‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۴)، ارتباط با آیین و رسوم فرهنگی، مرتبط بودن با بدن و جسمانیت و برطرف کردن آرزو و نیاز جاری.

۱۰-۶- ساعت‌سازی

فناوری ساخت ساعت مربوط به اروپا بوده است و ایرانیان جهت آموزش این فن به کشورهای اروپایی اعزام شدند. در سال ۱۲۶۰ ق (۱۲۲۳ش) گروهی از دانش‌آموزان ایرانی به فرانسه اعزام شدند، یکی از آنها با نام محمدعلی برای تحصیل در رشته معدن، دوربین و ساعت‌سازی بود (هاشمیان، ۱۳۷۹: ۵۱)

رونق این هنر در دوره قاجار از آن شهر زنجان بوده است، اما تعداد اندکی از هنرمندان ملیله‌کار نیز در شهر تبریز ساکن بوده‌اند. به طوری که شفیع جوادی در سال ۱۲۸۶ هجری، تعداد هنرمندان ملیله‌کار را ۱ نفر می‌داند. جکسون^۱ نیز در سفرنامه‌اش در شهر تبریز اشاره ای به هنرمند ملیله‌کار دارد: «... و در آنجا دکان فلان زرگر ارمنی که با دست سرگرم ملیله‌دوزی^۲ ظریف است» (جکسون، ۱۳۵۲: ۶۳) به این ترتیب قیچی‌سازی، زرگری، آهنگری و مسگری پررونق‌ترین حرفه‌ها در شاخه‌ی هنر فلزکاری منطقه‌ی آذربایجان بوده است. جنس این اشیا فلزی شامل آهن و آلیاژهای آن، مس، برنج، طلا و نقره بوده است که با تکنیک‌های ساخت چکش‌کاری، ریخته‌گری و خم‌کاری با ماشین ساخته می‌شده است که در بیشتر موارد ساده و بدون نقش بوده یا با استفاده از تکنیک حکاکی و طلاکوبی بر روی آن نقش زده می‌شده است (جدول ۲) از مستندات این طور برمی‌آید که صنایع ایران به مدت دو قرن، از زمان دیدار شاردن از این مملکت، هیچ نوع پیشرفتی نکرد و تا حدودی هم تنزل پیدا کرد. به تولید کالاهای متعدد در مقابله با رقابت دم افزون کالاهای اروپایی هیچ نوع ارزشی قابل نشدند و فروش مواد خام را به صرفه دیدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۴).

۷- چگونگی رشد و شکوفایی هنر و صنایع فلزی دوره قاجار

عصر قاجار را جدال بر سر سنت و تجدد می‌نامند. تجددخواهی تأثیرات فراوانی بر صنایع دستی و صاحبان حرف آن دوره بر جای گذاشت. وقوع تغییرات گسترده در نظام‌های سیاسی و اقتصادی جهان غرب و مشغول بودن ایرانیان به جنگهای داخلی در طی یک سده منتهی به عصر قاجار، باعث عقب ماندگی گسترده جامعه ایران از تحولات جهان معاصر شده بود. شکست‌های ایران در جنگ با روسیه و انعقاد عهدنامه‌های گلستان (۱۲۲۸ ه.ق) و ترکمانچای (۱۲۴۳ ه.ق) از مهم‌ترین رویدادها سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. این حوادث نخستین بار گروهی از ایرانیان را به خود آورد و در حالی که فتحعلی‌شاه هنوز در بی‌خبری خود به سر می‌برد، عباس میرزا که خود در جنگ‌ها درگیر بود، به ضعف و عقب ماندگی فنی و علمی ایران پی برد و وزیرش قائم‌مقام نیز در این اندیشه با وی هم‌آواز شد. این آگاهی و در پی آن تجددخواهی از تبریز، که همسایه‌ی روسیه و با آن در ارتباط بود، آغاز گردید (بهنام، ۱۳۷۵: ۲۰-۲۱). آغاز تجددخواهی در تبریز باعث تغییرات گسترده‌ای در کلیه سطوح زندگی جامعه شد. یکی دیگر از روندهای مداومی که در قرن نوزدهم شروع شد جایگزینی کالاهای تولیدی غربی به جای تولیدات صنایع دستی ایران بود. دهقانان، ایلات و پیشه‌وران شهری به‌تدریج کار و درآمد خود را از صنایع خانگی از دست دادند. ایران بر خلاف غرب، نتوانست با توسعه صنایع تولیدی که بتواند کار و رشد سرمایه را فراهم سازد زوال صنایع دستی خود را ترمیم نماید. غرب سرآغاز مهبلی در تولید کالاهای ارزان قیمت داشت و تعرفه‌های ایران به‌خاطر محدودیت‌های قراردادهای غربی و نبود سرمایه موجود برای رقابت صنعتی، نتوانست سطوح دفاعی و حفاظتی فراهم سازد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۴). تفکر نوگرایی و تجدد طلبی با پیشسازی شهر تبریز در لایه‌های مختلف هویتی جامعه آذربایجان رسوخ کرده و این جامعه را مستعد پذیرش ایده‌های نو و دگراندیشانه ساخته بود، و شهر تبریز که دروازه اصلی کشور رو به اروپا و دنیای جدید بود بسیاری از دستاوردهای نوین غرب را تجربه کرد. از آن جایی که در آن سال‌ها «نهضت تجددخواهی، از آذربایجان که با روسیه و عثمانی هم مرز بود و به اروپا نزدیک‌تر است، شروع شد و تبریز مرکز فعالیت‌های نظامی و سیاسی ایران گردید» (آرین‌پور، ۱۳۵۵: ۵). سیدجواد طباطبایی که توجهی ویژه در این دوران به جایگاه تبریز در دگرگونی‌های فکری جامعه داشته است به گونه‌ای که آن دوره را «مکتب تبریز» خوانده است چنین بیان داشته است: «بدین‌سان تبریز به این معنا نه اسم خاص، بلکه مفهومی عام به عنوان آستانه‌ی دوران جدید، آزادی‌خواهی و حکومت قانون است. تبریز خاستگاه این جنبش بود، تجددخواهی در آن شهر آغاز شد و دوره‌ای از آن با پیروزی مشروطیت به انجام رسید» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۳۳). این سخن جواد طباطبایی چنان که خود بیان کرده است به معنای آغاز «دورانی» جدید در تاریخ ایران است و ناظر به مفهومی در «فلسفه تاریخ» است، یعنی ظهور اندیشه پیشرفت و «ترقی» در برابر «اندیشه مبتنی بر مشیت الهی».

یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر در رواج تفکر تجددخواهی در آذربایجان بر محوریت تبریز، می‌توان به مسأله مهاجرت‌های گسترده طبقه کارگری آذربایجان به نواحی دیگر در تلاش برای یافتن قوت لایموت برای خود و خانواده‌شان اشاره کرد. راه‌اندازی کارگاه‌های بزرگ راه‌سازی و صنایع نفت در حوزه قفقاز و به‌ویژه باکو توسط امپراطوری روسیه و نیاز گسترده به نیروی کار و از طرفی اشتراکات فرهنگی و زبانی اهالی آذربایجان موقعیتی فراهم کرد تا نیروهای آماده به کار آذربایجانی و تبریزی به‌صورت

۱- آبراهام ولنتاین ویلیامز جکسون (۱۸۶۲-۱۹۳۷ م) از محققان و پژوهشگران نامدار آمریکا در رشته زبان و ادبیات و دین و آیین در ایران باستان به‌شمار می‌رود (امیری و بدره ای، مقدمه کتاب)
 ۲- قطعاً منظور نویسنده اجرای ملیله کاری فلز توسط زرگر بوده که در ترجمه ملیله دوزی جایگزین شده است.

دایمی یا فصلی به این منطقه رهسپار شوند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۰). دلیل مهاجرت فصلی این کارگران را رکود اقتصادی ایران می‌دانند که علاوه بر دهقانان، پیشه‌وران سنتی و نیروی کار صنایع بومی را نیز در وضعیتی مشابه قرار داد. «شرایط آذربایجان متفاوت از تمامی ولایت ایران بود، چرا که آذربایجان با ۲ میلیون جمعیت پرنفوس‌ترین ایالت ایران بود» (خسروزاده و دیگران به نقل از Stewart, 1971: 71). بنابراین مشکلات آذربایجان به علت جمعیت بالای آن حادث شده است. «اما از جمله مهم‌ترین عوامل رکود اقتصادی آذربایجان و به حاشیه راندن نقش و جایگاه تاریخی آن، همانا در تغییر راه‌های بازرگانی منتهی به این ولایت بود» (خسروزاده و دیگران، ۷۴) در این باره سیسیل جی.وود، کنسول وقت بریتانیا در تبریز در گزارش مالی ۱۸۹۴-۱۸۹۳ خود به وزارت خارجه دولت متبوعش در بررسی عوامل دخیل در انحطاط تدریجی

تجارت و بازرگانی خود در آذربایجان می‌نویسد: «در گذشته تبریز از امتیاز ایفای نقش به عنوان مرکز بازرگانی تولیدات اروپایی که به ایالات شمالی ایران می‌رسید، برخوردار بود. نخستین ضربه‌ای که بر این نقش وارد آمد، افتتاح کانال سوئز بود» (خسروزاده و دیگران به نقل از Wood, 1974: 74). با حفر این کانال در سال ۱۸۶۹م، که دسترسی کشتی‌های اروپایی به اقیانوس هند را آسان‌تر می‌ساخت، کاهش اهمیت راه تبریز-طرابوزان شروع شده بود. بسته شدن این راه، که قرن‌ها مهم‌ترین راه متصل‌کننده اروپا به شبه قاره هند بود، بار بیشتری بر دوش اقتصاد ایران گذاشت» (اتابکی، ۱۳۹۱: ۶۴).

دومین واقعه، که ضربه نهایی بر موقعیت برتر تبریز بود، توقف حمل‌ونقل از طریق روسیه بود که به برتری تبریز خاتمه بخشید. وود در ادامه گزارش خود می‌نویسد: در حال حاضر اقلام و کالاهای وارداتی اساساً از طریق بوشهر و بغداد به ایالات جنوبی وارد می‌شوند. هم‌اکنون شیراز و اصفهان به مراکز بازرگانی تبدیل شده‌اند. تهران نیز بخش اعظم مایحتاج خود را مستقیماً از تبریز تأمین می‌کرد. ایالات گیلان و خراسان نیز مایحتاج خود را از طریق روسیه تأمین می‌کنند (خسروزاده و دیگران به نقل از Wood, 1974: 74).

اوضاع وخیم اقتصادی مردم منطقه باعث شد آنان جهت کسب معاش به مناطق قفقاز مهاجرت کنند. از طرف دیگر ارتباط با کشور ترکیه (عثمانی سابق) که دروازه دیگری به کشورهای اروپای غربی بود اندیشه‌های متحدانه را تشدیدتر کرد. قسمت اعظم تجارت بین اروپا و ایران در استانبول و تبریز که می‌توانند به عنوان دو قطب بازرگانی به حساب آیند، متمرکز شده است. تأسیسات اروپایی استانبول که مستقیماً تجارت ایران را راه می‌اندازد دارای شعبی در تبریز هستند و تجار ارمنی و ایرانی شهر تبریز از طریق مکاتبه با عمالشان در استانبول رابطه برقرار می‌کنند. تجارت‌خانه‌ها و کارخانه‌های اروپایی به‌طور مستقیم با ایران دادوستد ندارند. تجارت آن‌ها با ایران غیرمستقیم است و در استانبول از طریق شرکت‌هایی که در آنجا مستقر شده و مشغول تجارت با ایران هستند صورت می‌گیرد. این چنین وضعی در ایران در مورد صدور کالاها به اروپا برقرار است. این کالاها از نقاط مختلف کشور سرازیر شده و در تبریز گرد می‌آید و از آن‌جا به اروپا صادر می‌گردد و عملیات هم توسط شرکت‌های تبریز انجام می‌گردد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۵۰).

عیسوی (۱۳۶۲) مواد اصلی صادرات اروپا به تبریز را: پنبه، چلوار، ماهوت، فلزات، شیشه، قند و شکر، آئینه و انواع و اقسام محصولات ماشینی برمی‌شمارد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۵۹). در مجموع می‌توان گفت «آشنایی با فرآورده‌های فکری از طریق عثمانی، رفت و آمد به قفقاز در قالب کار و فعالیت‌های شغلی و حضور ولیعهدان قاجاری در تبریز و نیز تلاش برای آشنا ساختن آنان با دنیای جدید زمینه‌هایی بود که این شهر را بالقوه آماده نوعی جهش به سمت و سوی تجدد کرده بود. این‌ها عواملی بودند که در اصفهان یا فارس وجود نداشتند» (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۲).



شکل ۱۰- نقاشی دیواری خانه حریری تبریز متأثر از نقاشی‌های اروپایی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶)

به این عوامل می‌توان این موارد را نیز اضافه کرد: حضور گسترده هیأت‌های تجاری و نظامی و سیاسی خارجی در تبریز، آشنایی تجار و بازرگانان تبریزی با دنیای متمدن غرب، بازگشت دانشجویان اعزامی به خارج، «واردات محصولات ترکیه نظیر مسکوکات، مفتول طلا، جواهرات، حریر، آهن‌آلات، قلع، لعل و... از طریق تبریز به ایران» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۰۸) و نهایتاً تأسیس چندین مدرسه با مدیریت فرنگی‌ها در تبریز. مطالعه‌ی نقاشی‌های دیواری خانه‌های اعیان و اشراف تبریز در دوره‌ی قاجار نشان‌دهنده‌ی علاقه آنها به مظاهر غربی است (شکل ۱۰)، به نحوی که هنرمندان سعی در الگوبرداری از سبک زندگی اروپاییان دارند.

در طی این سالها با ورود معیارهای هنر غربی و تغییر در سبک زندگی، هنرمندان ناخواسته در مسیر امواج برآمده از تجددگرایی قرار گرفتند. عدم نیاز جامعه به محصولات سنتی فلزکاری و علاوه بر آن مهاجرت قشر گسترده طبقه‌ی کارگری به قفقاز که به

طبع در بین این افراد، صنعتگران و هنرمندانی هم بوده‌اند، باعث کم شدن تولید مصنوعات فلزی شده است، زیرا با فاصله گرفتن از سبک سنتی زندگی، ضرورتی برای تولید مصنوعات فلزی دیده نمی‌شده است.

۸- نتیجه‌گیری

هنر فلزکاری تبریز دوره قاجار را می‌توان به انواع آهنگری، زموذگری، قیچی‌سازی، قفل‌سازی، مسگری، ساخت وسایل روشنائی، چاقوسازی، حلبی سازی و زرگری تقسیم کرد. این اشیاء در جهت تأمین نیازهای ضروری مردم جامعه ساخته می‌شد. رونق کشاورزی، دامپروری و قالی‌بافی در منطقه نیاز به ابزارهای فلزی مخصوص به خود را می‌طلبیده که توسط صنعتگران فلزکار ساخته می‌شده است. به طور کلی صنعتگران تبریز فقط به وجه کاربردی ابزار و اشیاء فلزی تأکید می‌کرده‌اند بنابراین اشیاء ساخته شده فاقد نقوش و تکنیک‌های تزئین متنوع بوده است. بعد از سفر ناصرالدین شاه قاجار به اروپا و رویارویی ایرانیان با مظاهر تجدد و مدرنیته و در کنار آن آذربایجان با مرکزیت تبریز که دروازه ورود کالاهای غربی بود تغییر زیادی در سبک زندگی مردم پدید آمد. مهاجرت طبقه کارگری به باکو و سایر شهرهای منطقه قفقاز، مراودات تجاری از طریق تبریز به سایر کشورهای اروپایی، همسایگی با کشورهای روسیه و عثمانی و واردات محصولات اروپا تأثیر زیادی نیز در سبک زندگی منطقه به همراه داشت. جامعه ایرانی که دیگر الگو برداری از مظاهر تجدد را در سر می‌پراند به یک جامعه وارد کننده انواع محصولات اروپایی تبدیل شد. بدین ترتیب تبریز که دروازه ورود محصولات اروپا به ایران بود زودتر از شهرهای ایران از این تجدد بهره جست و تلاشی برای بهبود و پیشرفت صنایع و محصولات خود نکرد و از آنجایی که تغییر در سبک زندگی نیاز به تغییر در اشیاء مورد استفاده را دارد، تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به یک مصرف کننده محصولات اروپایی تبدیل شد.

منابع

۱. اتابکی، تورج، (۱۳۹۱)، «دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ایران و ترکیه»، مترجم: آرش عزیززی، تهران: ققنوس.
۲. آراین پور، یحیی، (۱۳۵۵)، «از صبا تا نیما»، تهران: فرانکلین.
۳. اسکارچیا، جیان روبرتو، (۱۳۸۴)، «هنر صفوی، زند و قاجار»، مترجم: یعقوب آژند، تهران: مولی.
۴. اسمیت، دوروتی، (۱۳۴۴)، «خاطراتی از شرق»، مترجم: عبدالعلی کارنگ، تبریز: کتابفروش تهران.
۵. بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۳۸۱)، «تبریز، دانشنامه جهان اسلام»، جلد ۶، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۶. بهنام، جمشید، (۱۳۷۵)، «ایرانیان و اندیشه تجدد»، تهران: نشر فرزانه روز.
۷. پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، «سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان»، مترجم: کیکاوس جهانداری، تهران: خوارزمی.
۸. جعفریان، رسول، (۱۳۸۵)، «درک شهری از مشروطه: مقایسه حوزه مشروطه خواهی اصفهان و تبریز»، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۹. جکسن، آبراهام والتاین ویلیامز، (۱۳۵۲)، «سفرنامه جکسن»، مترجم: منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۰. جواد، شفیق، (۱۳۵۰)، «تبریز و پیرامون»، تبریز: بنیاد فرهنگی رضا پهلوی.
۱۱. خسرو زاده، سیروان، رویا بارسلطان و سوده ابراهیم زاده گرجی، (۱۳۹۷). «نقش و جایگاه آذربایجان در مهاجرت نیروی کار ایرانی به قفقاز (۱۹۰۶-۱۸۵۵ م/ ۱۲۸۵-۱۲۳۴ شمسی)»، دو فصلنامه‌ی تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، دوره ۸، (۱) ۶۵-۸۶.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «لغت نامه دهخدا»، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، جلد ۹، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. طباطبایی، سیدجواد، (۱۳۸۵)، «تأملی درباره ایران، جلد دوم: مکتب تبریز و مقدمات تجدد خواهی»، تبریز: ستوده.
۱۴. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، «تاریخ اقتصادی ایران»، مترجم: یعقوب آژند، تهران: گستره.
۱۵. فلور، ویلم، (۱۳۹۳)، «صنایع کهن در دوره قاجار»، مترجم: علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.
۱۶. معین‌الدینی، محمد، احمد نادعلیان و محسن مراثی، (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم و جایگاه سبک هنری در هنر عامه»، مطالعات فرهنگ- ارتباطات، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، سال ۱۵، (۲۷) ۸۷-۱۱۰.
۱۷. نادر میرزا، (۱۳۹۳)، «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز»، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: آیدین و یاناز.
۱۸. نجفی، اصغر، و اشرف گلچین، (۱۳۹۳)، «بازار تبریز در دوره قاجار»، تبریز: آلتین.

۱۹. هاشمیان، احمد (ایرج)، (۱۳۷۹)، «تحولات فرهنگی ایران در دوره‌ی قاجاریه و مدرسه دارالفنون»، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب
۲۰. هویان، اندرانیک، (۱۳۸۸)، «هنرمندان ارمنی ایران»، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۲۱. وولف، هانس ای، (۱۳۷۲)، «صنایع دستی کهن ایران»، مترجم: سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی